

Criminological Explanation of The Influence of Lived Experiences on The Strengthening of Criminal Tendencies in Cyber Space Subject of Study: Great Tehran Prison (Fashafouye)

Gelavizh Sheikholeslami Vatani

Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Mohammad Ashouri*

Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Nasrin Mahra

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Mohammad Ali Mahdavi Sabet

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

m-ashouri@srbiau.ac.ir

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2023.701476

Keywords:

Causal
Approach,
Criminal
History,
Cyber Tensions,
Lived
Experiences,
Predictors of
Crime

Abstract

In the process of evolution from thought to criminal action, what happens to a cyber-criminal in his/her initial or continuous desire to commit a crime is the strong criminal tendency and the lack or, in some case, weakness of the deterrents that cause him not to join the society. This gradual process, which concentrates on risk components in different age periods based on three basic components including learning patterns and learned lessons, suppressed childhood experiences and memories and finally the lack of family and social bonds, will be studied in this paper. Therefore, the present research, employing causality perspective, explains how the social forces (family, friends, culture, environmental conditions, poverty, etc.) can be effective in creating a criminal identity? An approach that aims to achieve practical results tested a range of variables in the light of theoretical criminological foundations on the statistical population of cyber-criminals to be able to achieve a causal cognitive model based on the most important factors influencing their criminal course. Variables that often cause the appearance, continuity and stability of cybercrimes are acquired and learned and that the human nature (inheritance) play insignificant role the formation of cyber crimes. Hence, the current research, which is a collective and phenomenological research, is descriptive-analytical in terms of its nature and method, and in terms of purpose is practical. The statistical population of this research consists of a group of convicts of Great Tehran Prison (Fashafouye) who are serving their sentence in the said prison. The findings describe the fact that the propensity for cybercrime and movement towards it is not a single event but a product of a gradual and staggered process. It is worth mentioning that the statistical calculations were done using SPSS22 software and based on descriptive-inferential statistics (by applying the multivariate regression equation method).



.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license: (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

تبیین جرم‌شناختی تأثیر تجربه‌های زیسته بر تقویت کشش‌های مجرمانه در فضای سایبر

مورد مطالعه: زندان تهران بزرگ (فشافویه)^۱

گلاویز شیخ الاسلامی وطنی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمد آشوری*

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نسرین مهرا

دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمدعلی مهدوی ثابت

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m-ashouri@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۲ بهمن ۱۴۰۱

چکیده

در فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه آنچه برای یک مجرم سایبری در تمایل نخستین یا مستمر وی به سمت ارتکاب جرم روی می‌دهد؛ کشش بزهکارانه قوی و فقدان یا ضعف بازدارنده‌هایی است که موجب عدم پیوند او به جامعه می‌گردد. این روند تدریجی با تمرکز بر مؤلفه‌های خطر در دوره‌های سنی مختلف و مبتنی بر سه مؤلفه بنیادی که شامل؛ الگوهای یادگیری و آموخته‌ها، تجربه‌ها و خاطرات سرکوب‌شده کودکی و درنهایت فقدان علقه‌های خانوادگی و اجتماعی است که مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. بر این اساس، پژوهش حاضر در پرتو تحلیلی علت‌شناسانه به تبیین این واقعیت می‌پردازد که چگونه نیروهای اجتماعی (خانواده، دوستان، فرهنگ، شرایط محیطی، فقر و...) می‌توانند در ساخت یک هویت مجرمانه مؤثر واقع گردند؟ رویکردی که باهدف دستیابی به نتایج کاربردی، طیفی از متغیرها را در پرتو مبانی جرم‌شناسانه نظری بر روی جامعه آماری مجرمان سایبری به آزمون گذارده تا بتواند به الگویی سبب‌شناختی مبتنی بر مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند مجرمانه آن‌ها دست یابد. متغیرهایی که غالباً ظهور، استمرار و مداومت جرائم سایبری را امری اکتسابی و آموختنی نشان می‌دهند که سرشت (ارث) نقش ناچیزی در شکل‌گیری آن‌ها ایفا می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر که تحقیقی ترکیبی و پدیدارشناسانه می‌باشد از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و از جهت هدف، از نوع کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، مشتمل بر گروهی از محکومان زندان تهران بزرگ (فشافویه) می‌باشند که دوران محکومیت خود را در زندان مذکور پشت سر می‌نهادند. یافته‌ها توصیف‌گر این واقعیت است که تمایل به جرائم سایبری و حرکت در مسیر آن محصول یک فرآیند تدریجی و پلکانی است نه یک واقعه. لازم به ذکر است که محاسبات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 و بر مبنای آمار توصیفی-استنباطی (با اعمال روش معادله‌گیری رگرسیون چند متغیره) تحصیل گردیده است.

کلید واژگان: تجربه‌های زیسته، رویکرد سبب‌شناختی، سیرگذار مجرمانه، عوامل پیش‌بین جرم، کشش‌های سایبری.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان «سیر گذار مجرمانه محکومان به جرائم علیه اشخاص: تحلیل جرم‌شناختی پرونده‌های محکومین شهر تهران در دهه ۹۰ شمسی» می‌باشد که در دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران صورت گرفته است.

امروزه ارتباط تنگاتنگ فناوری اطلاعات و ارتباطات با زندگی افراد به امری غیرقابل انکار تبدیل شده است. به نحوی که غالباً کلیه فعالیت‌های معمول روزانه به این سطح از فناوری وابسته بوده و همواره نیز بر گستره آن افزوده می‌گردد. تحولات دانش مذکور که ابعاد متفاوت زندگی انسان‌ها را به سرعت پیموده است، شاید با هیچ‌یک از علوم دیگر قابل قیاس نباشد زیرا برخلاف رشته‌های تخصصی دیگر مانند؛ فناوری‌های زیستی، هسته‌ای و ریز فناوری که تخصصی بوده و صرفاً متخصصان این علوم قابلیت بهره‌برداری از آن‌ها را دارند، استفاده از دانش اطلاعات و ارتباطات، حتی طیف سنی کودک و نوجوان را نیز درنوردیده است. توضیح اخیر به این معنا است که تمامی انسان‌ها با حداقل مهارت فنی می‌توانند وارد فضای مجازی گردند و از امکانات و قابلیت‌های مختلف آن استفاده نمایند. در واقع خصلت عمومیت در فضای مجازی از جمله وجوه منفی این عرصه بزرگ تبادل اطلاعات است. به نحوی که هر فرد با داشتن یک سیستم رایانه که به اینترنت مجهز باشد و صرفاً با اندکی آگاهی و شناخت نسبت به آن می‌تواند به‌مثابه مجرمی بالقوه تلقی گردد. ویژگی‌ها و فرا متغیرهایی همچون امکان دگر هویت پذیری، مکان‌گریزی، ارتباطات از راه دور و ملموس نبودن خسارت‌های وارده به اشخاص حقیقی و حقوقی منتهی به نوعی عمومیت و رواج رفتارهای مجرمانه در این محیط مجازی شده است (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۶: ۳۰۴). امری که به این معنا است که اگر افراد در محیط واقعی به هر دلیل از ارتکاب رفتارهای مجرمانه اجتناب می‌نمایند با ورود به فضای مجازی، می‌توانند مرتکب جرم گردند. لذا پژوهش حاضر با پیش گرفتن رویکرد سبب‌شناختی^۲ نسبت به جرائم سایبری، در واقع به دنبال شناسایی دلایل پدیدآورنده‌ی این طیف از رفتارهای مجرمانه است، زیرا عوامل زمینه‌ساز جرائم سایبری چه در فضای مجازی و چه در دنیای واقعی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد این نوع جرائم ایفا می‌نمایند.

بر این اساس، شاید این پرسش بارها در ذهن هر فردی مرور شده باشد که چرا و چگونه برخی افراد به جرائم حوزه سایبر رو می‌آورند؟ آیا این طیف از مجرمان از وجوه متمایزی نسبت به افراد دیگر برخوردارند؟ پاسخ به این قبیل پرسش‌ها نیازمند انجام مطالعات تحلیل محوری است که در رابطه با بسترهای موجد جرائم سایبری صورت می‌پذیرند مانند؛ توجه به طول زمان و جریان زندگی مجرم، تمرکز بر توالی نقش‌ها، فرصت‌ها، محدودیت‌ها و وقایعی که در برهه‌های مختلف سنی برای او واقع شده است و شرح حال زندگی وی را از تولد تا مرگ تشکیل می‌دهند؛ زیرا اینکه مجرم کجا و به چه نحوی زندگی نموده، چه فعالیتی را انجام داده، چه چیز را مشاهده کرده است، چه الگوی رفتاری را آموخته و چطور نظارت‌شده است بر اینکه؛ آیا دیده‌ها و آموخته‌هایش را تکرار می‌کند یا خیر، ترس از دست دادن دارد یا نه بر کیفیت روند حیات مجرمانه او و چگونگی گزینش‌هایش مؤثر واقع می‌گردند. از این رو، تمرکز بر روند تکاملی رفتارها در بستر زمان، می‌تواند مبین زمینه‌های پویای هدایت این طیف از مجرمان به حیطه جرائم سایبری باشد. فرآیندی که سیر ورود مرتکبان به این ورطه را در اثنا جریان اجتماعی شدن آن‌ها و با تأکید بر متغیرهایی چون؛ سن، کیفیت یادگیری، میزان، شدت و عمق معاشرت، الگوبرداری، ابزارهای ناکارآمد نظارتی و فقدان یا تضعیف تعلق خاطرهایی معرفی می‌کند که ورود به مسیرهای مجرمانه، مانایی در آن‌ها و رسیدن به نوعی بلوغ جنایی را به نحوی واقع‌بینانه و از منظر مرتکبان نا هم‌نوا به تصویر می‌کشد. (Blokland, Nieuwebberta, 2010, 17)

(در واقع پژوهش حاضر سعی دارد تا جرائم مرتبط با حوزه سایبر را به‌مثابه یک شیوه رفتاری در متن زندگی و در گذار از موقعیت‌های مختلف آن تفسیر نماید. در این پژوهش با تقسیم‌بندی مطالب به دو بخش اسنادی و آماری سعی شده است تا؛ در بخش نخست به تبیین نظری و جرم‌شناختی تأثیر تجربه‌های زیسته بر بروز جرائم سایبری در قالبی فرآیندمدار، تدریجی و پلکانی پرداخته شود. سپس در بخش دوم، میزان انطباق و ظهور داده‌های توصیفی با اطلاعات میدانی تحصیل شده به‌وسیله تعدادی از مجرمان سایبری موردسنجش پیماشی قرار می‌گیرد. آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، علاوه بر به‌کارگیری روشی پدیدارشناسانه این است که علت‌ها و زمینه‌های موجد تمایل به ارتکاب جرائم سایبری را نه تنها بر مبنای نظریه بلکه از دریچه ذهنی مجرمان غالباً سابقه‌داری دنبال می‌نماید که هر یک در حال تحمل دوران محکومیت خود در زندان فشافویه بوده‌اند.

پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های پیشین در داخل و خارج از ایران نشان‌گر این مطلب است که از بُعد روش‌شناختی، بیشتر پژوهش‌ها به صورت توصیفی، کیفی و یا فرا تحلیل بوده‌اند. لذا، آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد استفاده از شیوه پژوهشی آمیخته (ترکیبی) می‌باشد. شیوه‌ای که در آن نظریه‌ها در جهت صورت‌بندی سؤال پژوهش، شناسایی مفاهیم بنیادی و ارتقای حساسیت نظری در مراحل مختلف تحقیق بهره گرفته شود. با این توضیح، در طراحی چارچوب مفهومی این نوشتار کوشش گردیده تا برای تفسیر جرم‌شناختی از جرائم سایبری، به مطالعه روندی پرداخته شود که قبل از شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه را در بر گرفته و تا زمان ارتکاب جرم تداوم می‌یابد. فرآیندی که با واقع‌شدن یک یا چند رخداد، زیستن یک یا چند تجربه، کیفیت مشاهدات و نحوه الگوبرداری از آن‌ها منجر به تغییر جریان آتی زندگی مجرمان از یک‌روند سالم به مسیری مجرمانه شده است. نکته حائز اهمیت در تمام منابعی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در طرح‌ریزی مبنای این پژوهش نقش به‌سزایی داشتند، تمرکز بر عوامل موجد خطر در گزینش مسیرها و فعالیت‌های مجرمانه بوده است که همگی به مطالعه فرآیندی در بستر زمان پرداخته‌اند. در اینجا چند نمونه به‌اختصار ذکر می‌گردد:

رضوانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی توصیفی با نام «مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی» بیان می‌دارد که تأکید بر واژه حالت خطرناک در مورد افراد به معنای مجموعه ویژگی‌ها و خصایص فردی اعم از ذاتی و اکتسابی است که احتمال ارتکاب جرم در آینده را بالا می‌برد؛ بنابراین مجرم خطرناک را نیز بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی تخمینی می‌توان در چارچوب عوامل ریسک برای پیش‌بینی بروز رفتارهای مجرمانه در آینده قلمداد نمود.

آقایی (۱۳۹۷)، در پژوهشی ترجمه‌شده از دیوید پی فارینگتون و همکارانش که در دانشگاه کمبریج و به شیوه فرا تحلیل انجام گرفته است تحت عنوان «بزهکاری از کودکی تا اواخر میانسالی» از پذیرش عملی توجه به علت‌های مختلف در همه سطوح، جرم را در ارتباط با تغییراتی مطالعه می‌نمایند که در طول زمان در افراد و شرایط زندگی‌شان ایجاد می‌گردد. به این ترتیب که اگر جرم‌شناسی کلاسیک تنها بر مبنای یکی از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و وضعی پیش‌فرض‌های خود را بنا می‌سازد، رویکردهای متأخر با اعتقاد بر اینکه هیچ‌کدام از رویکردهای سنتی سابق نتوانستند توجیه کاملی از عوامل مؤثر بر تمایلات مجرمانه داشته باشند، درصدد برآمدند تا نگرش‌های متفاوت و به‌ظاهر حتی متناقض را با یکدیگر پیوند دهند. آنچه در رویکردهای مذکور چشم‌نواز است از یک‌سو، انسجام معنایی و محتوایی به‌منظور درک تأثیرگذاری‌های متقابل و از دیگر سو، اهمیت توجه به توالی زمانی در تأثیرپذیری‌ها است.

سهراب زاده و سعیدی (۱۳۹۹)، در پژوهشی فرا تحلیل با نام «طراحی الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری با روش فراترکیب» بیان می‌دارند که زمینه‌های ارتکاب جرم در زنانی که سابقه حضور در زندان داشته‌اند نشان‌گر این واقعیت است که آن‌ها در جریان زندگی خود با عوامل گوناگونی چون: ازهم‌گسیختگی خانوادگی، زیست مجرمانه، همسر آزاری، نداشتن شغل و درآمد، فقدان تخصص و تحصیلات، زندگی در محله‌های جرم‌خیز، اعتیاد و معاشرت با دوستان ناباب مواجه بوده‌اند که سبب فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت ارتکاب رفتارهای مجرمانه توسط آنان گردیده است.

جاشیانکار^۳ (۱۳۹۵)، در پژوهشی توصیفی با نام «جرم‌شناسی سایبری؛ بررسی جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه» بیان می‌دارد که انگیزه و بسترهای موجد تمایل به کشش‌های مجرمانه در فضای سایبر مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرند. او ضمن شناسایی عوامل موجد جرائم سایبری و معرفی طیف وسیعی از رفتارهای مجرمانه‌ای که می‌توانند در این عرصه واقع شوند به لزوم پرداختن به تبیین‌های نظری جهت ابهام‌زدایی از این حیطه می‌پردازد.

غلامی و برزگر (۱۳۹۷)، در پژوهشی تطبیقی و روش‌شناسانه با نام «کارکرد روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط» بیان می‌دارند که ارزیابی احتمال تکرار جرم در مجرمان می‌تواند تا حد زیادی در ایفای تصمیمات صحیح در فرآیند تصمیم‌گیری نظام عدالت کیفری کارگشا باشد. بر این اساس، پیش‌بینی تکرار جرم و نیز پیش‌بینی جرائم خشن می‌توانند مبین بخش عمده‌ای از تحقیقات جرم‌شناسی مبتنی بر لزوم سنجش میزان خطرناکی در مجرمان قلمداد گردد.

³ - Key Jashiancar.

مکلیود و فارینگتون^۴ (۲۰۱۳)، در پژوهشی پیمایشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر رفتارهای مجرمانه از کودکی تا بزرگسالی» که در دانشگاه کمبریج انجام گرفته به مطالعه عوامل پیش‌بین رفتارهای مجرمانه در نوجوانانی پرداخته است که به دلیل زندگی در خانواده‌هایی با سابقه کیفری الگوهای مجرمانه متنوعی را پیرامون خود داشته‌اند و همین امر تأثیرات شگرفی بر ریتم زندگی آن‌ها در مرحله نوجوانی برجای گذاشته بود. تغییراتی که متن زندگی و در گذار از کودکی به نوجوانی مسیر زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده بود.

کوید و وست^۵ (۲۰۱۲)، در پژوهشی توصیفی-تحلیلی تحت عنوان «انضباط ضعیف، نظارت نادرست» به بررسی عوامل خطر کلیدی در سنین ۸ تا ۱۰ سالگی پرداخته و مؤلفه‌های پیش‌رس بزهکاری کودکان را از منظر شش مقوله اصلی طبقه‌بندی نمودند که عبارت‌اند از: در دسر آفرینی‌های ایام کودکی، مخاطره‌جویی و تمرکز ضعیف، محرومیت‌های اقتصادی، الگوهای تربیتی نادرست، هوش کم یا پیشرفت تحصیلی کند و طلاق والدین. آن‌ها این عوامل را در پیش‌بینی جامعه‌ستیزی آینده کودکان مؤثر قلمداد می‌کنند.

به این ترتیب، آنچه در این پژوهش اهمیت دارد آن است که با وجود مطرح کردن نظریه‌های گوناگون در تمامی مراحل پژوهش هیچ‌یک از رهیافت‌های مطرح شده، به صورت منفرد مبنای پژوهش قرار نگرفته و نگارندگان در این پژوهش به هیچ‌عنوان قصد نظریه‌آزمایی ندارند. بلکه در راستای تبیین تئوریک داده‌های کمی، غنای پژوهش و دستیابی به مفاهیم حساس نظری از رویکردهای مختلف و مرتبط با کنشگری‌های مجرمانه در فضای سایبر به فراخور موضوع استفاده شده است. بر این اساس، نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا می‌توان در پرتو مطالعه روند تجربه‌های زیسته مجرمان به تحلیلی چندوجهی در مورد چرایی و چگونگی ارتکاب رفتارهای مجرمانه در حیطه جرائم سایبری نائل گردید؟ مفروض نویسنده‌گان در پاسخ به چنین چالشی بر مبنای سه سطح مطرح می‌شود:

۱. تجربه‌ها و وقایع ناخوشایند گذشته بر انتخاب و بروز جرائم سایبری تأثیرگذار است؛
۲. الگوهای یادگیری به‌خصوص در ایام کودکی و نوجوانی بر انتخاب و بروز این طیف از رفتارها تأثیرگذار است؛
۳. کیفیت علقه‌های اجتماعی و میزان پابندی به آن‌ها بر انتخاب و بروز این طیف از رفتارها تأثیرگذار است.

۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی و با توجه به هدف، از نوع کاربردی است. جامعه آماری که مورد مطالعه قرار گرفته است؛ تعدادی از محکومان به جرائم می‌باشند که در حال تحمل دوران محکومیت خود در زندان تهران بزرگ (فشافویه) بوده‌اند. این تحقیق پیمایشی در سال ۱۴۰۰ انجام گرفته است و مجرمان مورد مطالعه معین در بندهای (یک، سه و چهار) زندان مذکور^۶، از سه طیف «مجرمان بار نخست، مجرمان پایدار، مجرمان جرائم خطرناک»^۷ انتخاب گردیده‌اند. داده‌های این مطالعه به روش میدانی (از طریق توزیع پرسش‌نامه ۱۴۰ پرسش‌نامه

^۴ - Jeffrey MacLeod, & David Farrington.

^۵ - Coved & Vest.

^۶ بخش امور رایانه‌ای زندان تهران بزرگ پیش از توزیع پرسش‌نامه‌ها توسط واحد مددکاری زندان، فهرستی را در اختیار نگارندگان قرار داده است که مشتمل بر نام و نام خانوادگی مرتکب، محل نگهداری وی (اینکه در کدام یک از بندهای زندان ساکن می‌باشند)، توضیحی در مورد حیطه جرائم ارتكابی توسط او (نوع جرم و شرح جرم)، تاریخ بازداشت مجرمان و نیز وجود سابقه یا عدم سابقه کیفری مجرم بوده است؛ بنابراین نخست، به تفکیک حیطه جرائم ارتكابی (جرائم علیه اموال یا جنایت علیه اشخاص) پرداخته شد و سپس نسبت به استخراج داده‌های میدانی از حیطه جرم ارتكابی به تفکیک اقدام گردیده است. اهم جرائم ارتكابی توسط مرتکبان در این جامعه آماری عبارت‌اند از: مباشرت یا مشارکت در سرقت‌های مقرون به آزار، ارتکاب جرائم سایبری (کلاهبرداری و سرقت‌های سایبری)، سرقت‌های به عنف همراه با قتل یا تجاوز، ضرب و جرح عمدی با چاقو و قمه، اقدام به خفت کردن و زورگیری، تمرد نسبت به مأموران و تهدید با چاقو یا سلاح گرم، قدرت‌نمایی در ملاء عام، ایراد جرح عمدی با چاقو و سلاح‌های سرد، مشارکت در آدم‌ربایی.

^۷ در مورد طیف‌های سه‌گانه مذکور، توضیح چند مورد ضروری به نظر می‌رسد:

مورد نخست: این تقسیم‌بندی سه‌گانه از یک‌سو، باهدف شناسایی ویژگی‌های بیشتری از جامعه آماری انجام گرفته و از دیگر سو، برای توجه دادن به مؤلفه‌های خطری همچون؛ سن و بزهکاری پیش‌رس صورت پذیرفته است که می‌تواند پیش‌بینی کننده مسیری مستمر از رفتارهای مجرمانه در مباشران باشد. در همین رابطه باید به این موضوع نیز اشاره نمود که بیش از نیمی از جامعه آماری (۶۱٪) در اولین محکومیت خود بین پانزده تا بیست و پنج سال داشته‌اند که در مورد مجرمان سایبری نیز کاملاً صادق می‌باشد که نشان‌دهنده سابقه کانون اصلاح و تربیت در طیف قابل توجهی از مجرمان به‌طور عام و مجرمان سایبری به‌طور خاص بوده است. علاوه بر متغیر سن، متغیر دیگری که نشان از تکرار تمایلات مجرمانه و میزانی از خطرناکی در جامعه آماری مورد مطالعه داشته است، فاصله بین دو محکومیت است که در (۲۱٪) کمتر از شش ماه، در (۲۷٪) بین شش ماه تا یک سال و در (۲۹٪) بین یک تا پنج سال بوده است.

مشمول بر ۳۷ پرسش) و با پاسخ‌های ثابت، از طریق واحد مددکاری زندان تکمیل گردیده است. به این ترتیب، در تبیین موضوع آن از دو روش تحقیق استفاده شده است: نخست، در قالب مطالعه‌ای نظریه‌شناختی بر مبنای روش توصیفی، از طریق فیش‌برداری منابع موجود و مرتبط، به این امر می‌پردازد که تمرکز بر تجربه‌های زیسته‌ی مجرمان می‌تواند به لحاظ منطقی و عملی فرصت‌های مناسبی را جهت بررسی‌های مقایسه‌ای میان مکاتب جرم‌شناسی و واقعیت‌های زندگی مجرمانه برقرار نماید. سپس در گام بعد، با استفاده از روش پیمایشی بر مبنای آمار توصیفی (ترسیم جدول‌ها و نمودارها) و نیز از طریق آمار استنباطی به آزمون فرضیه پژوهش با ابزار (معادله رگرسیون چندگانه) پرداخته می‌شود. لازم به ذکر بوده که محاسبات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 به عمل آمده است.

۱.۱. روایی و پایایی پژوهش

برای تعیین روایی صوری پرسش‌نامه به روش کیفی و صحت و سقم سؤال‌های، در وهله اول پرسش‌نامه بین ۱۰ نفر از افراد خبره و متخصص (شامل؛ مددکاران زندان، اساتید و قضات) توزیع شد و پس از اطمینان از نتایج به دست آمده، در جامعه آماری پژوهش پخش گردید. همچنین برای تعیین پایایی این پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این نحو که؛ تعداد ۳۰ نفر از افراد جامعه هدف به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها نخست بین آن‌ها توزیع و میزان آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر با ۰/۷۵۷ به دست آمد و چون میزان آن از ۰/۷۰ بیشتر است یا به عبارتی به ۱ نزدیک است، نشان داده شد که پرسش‌نامه قابل اعتماد است.

ردیف	تعداد سؤال‌ها	آلفا	N
۱	۳۷	۰/۷۵۷	۳۰

۲-۱. روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم طبقه استفاده گردیده است. به این ترتیب که جامعه آماری موردنظر به طبقات مختلف (به تفکیک سن، سابقه کیفری، نوع جرم ارتكابی) تقسیم شده و سپس از هر طبقه (واحد) یک نمونه به طور تصادفی و به نسبت تعداد افراد انتخاب شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق با بهره‌گیری از فرمول کوکران با ۹۵٪ اطمینان از تعداد ۱۴۰ نفر، به طور تقریبی ۱۰۳ نفر حجم نمونه به دست آمد.

مورد دوم: با توجه به اینکه جامعه آماری موردپژوهش طیف وسیع‌تری از مجرمان را در برمی‌گیرد که شامل؛ محکومان به جنایت علیه اشخاص و محکومان به جرائم علیه اموال می‌گردد، نوشتار حاضر تنها بر بخشی از جامعه آماری مذکور (مجرمان سایبری) تمرکز داشته است. لذا در تقسیم‌بندی سه‌گانه فوق، مجرمان سایبری تنها در گروه نخست و دوم (مجرمان بار نخست و پایدار) قرار می‌گیرند و مجرمان خطرناک در حیطه محکومان به جرائم علیه اشخاص و محکومان به سرقت‌های سنتی جای می‌گیرند، که از جمله جرائم ارتكابی دسته اخیر: زورگیری، قه‌زنی، سرقت به عنفی که منجر به قتل یا تجاوز جنسی نیز شده باشد (ر.ک به پاورقی یک در صفحه پیشین).

مورد سوم: داده‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش در ابعاد وسیع‌تری صورت پذیرفته است لذا با توجه به محدودیت‌های نگارشی و با لحاظ محوریت موضوعی در این نوشتار، تنها محدوده‌ای خاص از اطلاعات آماری مورد اشاره مستقیم قرار گرفته است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

مبنای پژوهش حاضر از این ایده نشأت می‌گیرد که اگر پدیده‌های اجتماعی محصول مجموعه‌ای از عوامل در موقعیت‌ها و سطوح مختلف تلقی می‌گردند، در این صورت جرم را نیز به‌عنوان یک رفتار جامعه‌ستیز باید در امتداد یک مسیر تبیین نمود و فرآیندی تدریجی و تکاملی را محور تحلیل خود قرار داد. به‌عبارت‌دیگر، باید یک الگوی متوالی و خط سیر عرضی را برای تبیین رفتارهای مجرمانه ترسیم نمود که در جریانی مستقیم به یکدیگر متصل می‌گردند و اصطلاحاً به آن «مدل گره‌خورده به هم»^۸ اطلاق می‌شود.^۹ مدلی که بنای این پژوهش بر آن استوار است؛ به این نحو که؛ با تمرکز بر چندین متغیر به‌عنوان مؤلفه‌های خطر (پیش‌بین) در جمعیت نمونه به تبیین سبب‌شناختی متغیرهای مذکور در حیطه جرائم سایبری می‌پردازد.

۱.۲ تبیین جرم‌شناختی مفهوم خطرناکی

تبیین واژه خطر جهت درک عوامل پیش‌بین جرم بسیار مهم است. خطر یک واقعیت عینی و ملموس نیست، بلکه مبتنی بر یک معیار ذهنی است که بر اساس میزان ریسک (به معنای احتمال وقوع نوعی رفتار) تعریف می‌گردد (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۸). از این رو، عوامل خطر در نوشتار حاضر به معنای الگوها، تجربه‌ها، میزان پایداری به علقه‌ها و شرایطی در نظر گرفته می‌شوند که در ارتکاب جرائم سایبری تأثیرگذار بوده‌اند. عواملی که در مسیر زندگی مرتکبان پیش از ورود به کج‌روی وجود داشته‌اند و بستر مناسبی برای آن‌ها جهت ارتکاب جرم در آینده فراهم آورده‌اند. نکته مهم در ارزیابی خطر این است که در افراد مختلف مشتمل بر دو ویژگی بارز یعنی نسبیّت و بالقوگی است.

نسبیّت: به این معنی که «خطر» بیانگر خصوصیات مشخص و از پیش تعیین‌شده نیست و از چارچوب خاصی که سازگار با تمام افراد باشد، تبعیت نمی‌کند، بلکه کاملاً نسبی و فرد مدار است. از این رو، در پژوهش حاضر مؤلفه‌هایی که به‌عنوان عوامل پیش‌بین معرفی شده‌اند از طریق مجرمانی تحصیل‌گشته است که در حیطه جرائم مالی به‌طور کلی و جرائم سایبری به‌طور خاص در بروز رفتار ارتكابی مجرمان بر مبنای اظهارات خودشان مؤثر بوده‌اند.

بالقوگی: تو صیف‌گر خصوصیتی است که می‌تواند منشأ رفتارهای مجرمانه در آینده باشد؛ بنابراین، خطر بیانگر وجود میزانی از احتمال وقوع یک امر نامطلوب در آینده است که می‌تواند در سطوح و معانی متفاوتی به کار رود، به این نحو که در مورد خود امر نامطلوب باشد یا تنها نسبت به احتمال وقوع امر نامطلوب در آینده هشدار دهد. از این رو، عوامل موجدخطر در مجرمان فضای سایبر نیز باید به‌مثابه مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود که احتمال بروز و تداوم رفتارهای مجرمانه آینده را در آن‌ها تقویت نموده است. عواملی که در جامعه آماری این پژوهش مورد بررسی نظری و میدانی قرار گرفته‌اند، مؤلفه‌هایی است از جمله؛ وجود

⁸ End- to- End Model

^۹ برای اطلاع بیشتر در مورد نظریه‌های تلفیقی در این باب رک:

- غلامی، حسین و حسین‌آبادی، حسین جواد. (۱۳۹۸). «نظریه‌پردازی در جرم‌شناسی تلفیقی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۲۵، شماره ۱۰۰.
- غلامی، حسین. حسین‌آبادی، حسین جواد. (۱۳۹۸). «جرم‌شناسی تلفیقی: روایت چالش‌ها و به‌گزینی راهکارها»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، دوره ۱۶، شماره ۱۸.

سابقه اعتیاد یا انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، میزان ارتباط با دوستان سابقه‌دار، سابقه کیفری پیش‌رس، وضعیت تأهل، اشتغال، میزان و کیفیت نظارت والدین، رزومه تحصیلی و علت ترک تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت.

۳. تبیین سبب‌شناختی گرایش به جرائم سایبری با تمرکز بر رویکردهای نظری

علی‌رغم افزایش روزافزون شمار جرائم سایبری، داده‌های چندانی در مورد علت‌ها و عوامل نظری این طیف از رفتارهای مجرمانه وجود ندارد. در صورتی که یکی از بهترین روش‌های تبیین‌های مبتنی بر علت‌شناختی انحرافات اجتماعی استمداد از دانش جرم‌شناسی است تا بتوان از طریق تعریف و توصیف پدیده مجرمانه (جرم، مجرم، بزه دیده سایبری) به تفسیر آن‌ها از منظر نظریه‌های کلاسیک و نوین جرم‌شناسی نائل گردید. در پژوهش حاضر نیز تلاش شده است تا به فراخور موضوع و با کاربست رهیافت‌های تعیین یافته به واکاوی علت‌های جرائم سایبری پرداخت. در واقع محوریت این پژوهش برمدار شناسایی مجرمان حوزه سایبر است و از این‌رو، تمرکز بر مکاتب مجرم‌مدار در علم جرم‌شناسی گذارده شده است. به عبارت دیگر، رهیافت‌هایی مورد توجه قرار گرفته‌اند که بر مبنای دلایل بروز رفتارهای مجرمانه از منظر مجرم و نگرش او به امور تبیین شده‌اند. بر این اساس، دو نظریه بنیادی که محوریت پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند رهیافت‌های «یادگیری اجتماعی» و «کنترل اجتماعی» بوده‌اند که آثار ناشی از تجربه‌های زیسته‌ی جمعیت نمونه بر گرایش به جرائم سایبری مبتنی بر متغیرهای مذکور در این دو نظریه کاملاً مشهود بوده است.

۱.۳. تبیین نظری نقش آموخته‌ها، مشاهده‌گری‌ها و تجربه‌ها بر میزان گرایش به جرائم سایبری

افراد همواره در جریان زندگی خود با امور مختلفی مواجه می‌شوند که در آن‌ها شناخت معین، احساسات ویژه و نیز نوعی آمادگی فراهم می‌آورد و به آن‌ها می‌آموزند تا در مواجهه با وقایع به شیوه‌های معینی رفتار کنند (ستوده، ۱۳۹۹: ۱۳۹-۱۴۰). ترکیب این شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات شخصی (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای رفتار نمودن طبق آن‌ها (تمایلات) نسبت به امور و پدیده‌های معین، نگرش افراد را شکل می‌دهد (ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۸۶). نگرش‌ها را غالباً می‌توان از دو طریق کسب کرد: نخست، به‌طور غیرمستقیم بر مبنای یادگیری اجتماعی از افراد نزدیک و دور؛ دوم، به‌صورت مستقیم و از طریق تجربه‌های شخصی. بر همین اساس، ژان پیناتل و پیل بوزا^{۱۰} بر این باور بودند که میان مجرمان و غیرمجرمان از نظر ماهوی (فطری) تفاوت اساسی وجود ندارد زیرا آن‌ها تبلور شخصیت جنایی^{۱۱} را تا حد زیادی متأثر از الگوهای رفتاری و شرایط پیرامونی در نظر می‌گرفتند، الگوها و شرایطی که می‌تواند فرد را خارج از حوزه هنجارها و ارزش‌های حاکم قرار دهد (Trifue, 2013: 190-198). آن‌ها افراد را دارای یک هسته مرکزی شخصیت^{۱۲} تصور می‌کردند که همیشه امکان ابتلایشان به وصف جنایی وجود دارد.^{۱۳} در واقع کسانی که در محیط‌های جرم‌زا یا خشونت‌بار زندگی می‌کنند ابتدائاً در چارچوب الگوسازی مرتکب جرم می‌گردند نه از روی نیاز (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۴۴).

بسل و ندرکولک^{۱۴} در نوشته‌ای که از آن با نام «بدن، حساب را نگه می‌دارد»^{۱۵} یاد می‌گردد، خاطر نشان می‌سازد که تجربه‌های آسیب‌زا جایی در وجود انسان باقی می‌مانند و در زمانی دیگر خود را به‌صورت فشار روانی شدید، اختلال‌های جنسی، اختلال در خوردن،

¹⁰ Jean Pinatel & Pierre Bouzat

¹¹ Criminal Personality

¹² The Core of the Character

^{۱۳} برای آشنایی بیشتر با نظریه شخصیت جنایی ژان پیناتل ر.ک:

- نوربها، رضا. (۱۳۹۲). زمینه جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۱۸۵.

- دانش، تاج زمان. (۱۳۹۳). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کیهان، ص ۳۸۷.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم‌بیگی، حمید. (۱۳۹۳). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۹۶.

¹⁴ Bessell van der Kolk

¹⁵ Body Keeps Score

خودآزاری و در نهایت بزهکاری نمایان می‌سازند.^{۱۶} همچنین، فارینگتون و وست^{۱۷} در نظریه‌ای تحت عنوان؛ «پسرانی شبیه پدران»^{۱۸} به کارکرد خانواده و نقش والدین بر تربیت کودکان اشاره نموده‌اند و بر شباهت‌های مبتنی بر یادگیری متمرکز شده‌اند. آن‌ها تشابه را به معنای انتقال وراثتی و ژنتیکی نمی‌دانند بلکه از یک‌سو، آن را نتیجه الگوهای یادگیری در سنین پایین و نهادینگی این الگوها به‌عنوان رفتار غالب در شخصیت افراد تلقی می‌کنند و از دیگر سو، این شباهت‌ها را نشان‌گر تأثیر تجربه‌های بد دوران کودکی بر رفتارهای نا هم‌نوی بزرگسالی می‌دانند. آن‌ها در تحقیق بلندمدت خود، دریافتند که وجود سابقه انحراف در میان اعضای خانواده، در بزهکاری آینده فرزندان تأثیرگذار است (یان مارش، ملویل، مورگان، والکیگنی، ۱۳۹۳: ۱۵۶)

با طرح مبانی یادگیری فرآیندی ترسیم می‌گردد که حرکت در طول آن، چگونگی شکل‌گیری و تداوم هر رفتاری را مبتنی بر نوعی آموزه که یادگرفتنی است، در اذهان متبلور می‌سازد. ادوین ساترلند^{۱۹} در باب رفتارشناسی مجرمان بر این باور است که؛ رفتار مجرمانه یاد گرفته می‌شود. او چالش خود را با این پرسش مطرح می‌سازد که؛ چگونه افراد مجرم می‌شوند؟ یعنی به‌جای اینکه بر چرایی جرم متمرکز باشد بر چگونگی آن توجه دارد. او بیان می‌دارد؛ تصویری که از رفتار ضداجتماعی در ذهن مجرم ترسیم گردیده، همانی است که وی متعاقباً آن را در نتیجه تعامل و میان‌کنش با دیگران آموخته است. یادگیری اجتماعی به‌نوعی نسخه گسترش‌یافته رهیافت معاشرت ترجیحی است که نقاط عمده تأکیدش بیشتر بر سه گزاره متمرکز است: میزان معاشرت، شدت معاشرت و سن معاشرت (ویلایامز، ۱۳۹۳: ۳۱۹). در همین رابطه دونالد بلک^{۲۰} نظریه‌ای را معرفی می‌کند تحت نام؛ پسران بد، مردان بد،^{۲۱} بلک در این رهیافت به دو موضوع توجه دارد نخست، الگوی یادگیری به این نحو که اختلال شخصیت ضداجتماعی^{۲۲} بدو نتیجه تقلید و یادگیری رفتارهای کج روانه در بستر خانواده به‌عنوان اولین کانونی است که هر فرد در آن قرار می‌گیرد و دوم اینکه، جرم منحصراً در نتیجه یک عامل واقع نمی‌گردد بلکه زنجیره‌ای از اسباب در طول جریان زندگی منتهی به‌گزینش مسیرهای مجرمانه می‌شوند (Delisi, 2005:84).

رفتارهای مجرمانه طی یک فرآیند تجربه‌آموزی، کسب‌شده و به‌یک‌باره و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتند. معمولاً شیوه‌های رفتاری نه‌تنها از طریق یک تجربه، بلکه از ترکیب چندین تجربه در طول یک دوره زمانی شکل گرفته، تقویت یا تضعیف می‌گردند؛ بنابراین، هنجارهای گروه اجتماعی که مجرم متعلق به آن است در بروز رفتارهای ضداجتماعی او و نحوه نقش‌پذیری اجتماعی وی مؤثر است (بخارایی، ۱۳۹۹: ۸۵-۸۹). در واقع اشاعه و تکثیر اندیشه‌ها، گرایش‌ها و الگوهای رفتاری در میان مجرمان از طریق کنش‌های متقابل اجتماعی و در مواردی بدون تعمق منطقی روی می‌دهند و این همان اتفاقی است که گوستاولوبون^{۲۳} از آن به واگیری اجتماعی^{۲۴} تعبیر می‌کند. نظریه‌ای که قرار گرفتن افراد در گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را در شکل‌گیری مبنای اندیشه و عمل آن‌ها مؤثر می‌داند به‌نحوی که منتهی به‌نوعی برانگیختگی رفتاری در آن‌ها می‌گردد. امری که بیانگر این مطلب است که تفکر جمعی جای تفکر فردی را به‌صورت مسری می‌گیرد (روسک و وارن، ۱۳۷۰: ۹۵). به‌این ترتیب، یکی از عواملی که به‌عنوان پیش‌بین^{۲۵} رفتارهای مجرمانه در این پژوهش مورد ارزیابی میدانی قرار گرفته است، نمودهایی از متغیر یادگیری است

^{۱۶} همچنین برای اطلاعات بیشتر رک:

- Cheit R. "The Recovered memory Project – 101 Corroborated Cases of Recovered Memories". (2007). Retrieved from http://www.brown.edu/Departments/Taubman_Center/Recovmem

- خواجه‌نوری، نسرین. (۱۳۹۴). دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، چاپ نخست، تهران، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

^{۱۷} Farrington and West

^{۱۸} Boys Like Fathers

^{۱۹} Edwin Hardin Sutherland

^{۲۰} Donald Black

^{۲۱} Bad Boys, Bad Men Theory

^{۲۲} Antisocial Personality Disorder

^{۲۳} Gustavlubon

^{۲۴} Social Contagion

^{۲۵} Pridictor

که در سطوح متفاوتی میان محکومان به جرائم سایبری آزموده شده است. متغیرهایی همچون؛ معاشرت با همسالان ناباب^{۲۶} (داشتن دوستانی با سابقه کیفری)، وجود سابقه انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، علت ترک تحصیل و نحوه پر کردن اوقات فراغت، در این پژوهش در میان جمعیت هدف مورد پایش قرار گرفته است. داده‌ها توصیفگر میزان تأثیرپذیری مجرمان سایبری از الگوها، آموخته‌ها و تجربه‌های زیسته آن‌ها در مسیرگذار مجرمانه‌شان بوده است.

۲.۳. تبیین نظری تأثیر پایبندی به علقه‌ها و پیوندهای فردی و اجتماعی بر میزان گرایش به جرائم سایبری

پس از رویکردهای مبتنی بر یادگیری اجتماعی، نوبت به تشریح عوامل بازدارنده افراد از رفتارهای مجرمانه می‌رسد، در این رابطه، تراویس هیرشی^{۲۷} بر این باور است که اگر افراد به حال خود واگذارده شوند، امکان جامعه‌سبیزی در آن‌ها بالا می‌رود پس تنها با قرار گرفتن در چارچوب قیود اجتماعی است که قادر به خویش‌داری می‌باشند. از این رو، مبنای رویکرد کنترل اجتماعی بر این مدار دایر می‌باشد که افراد اصولاً رفتاری جامعه‌سبیز دارند مگر اینکه دیگران، آن‌ها را در مسیر ترک آن رفتارها هدایت کنند (ممتاز، ۱۳۹۲: ۱۲۲). لذا برای قرار گرفتن در این مسیر نیاز به ابزارهایی است که به کمک آن بتوان در راستای هم‌نوایی با جامعه پیش‌رفت، این ابزارها چیزی نیستند جز علقه‌های اجتماعی (صلاحی، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۳۶). نظریه کنترل اجتماعی با طرح نحله‌ای تحت عنوان مهار^{۲۸} که توسط والتر رکلس^{۲۹} مطرح گردیده است به فرآیندهای روان‌شناختی اشاره می‌کند که منطبق با الگوهای جامعه‌شناسی ارائه گردیده است. رکلس تمرکز اصلی خود را روی چرایی جرم می‌گذارد و به این نکته اشاره می‌نماید که چرا باوجود فشارهای اجتماعی زیاد بر روی بسیاری از افراد آن‌ها همچنان هم‌نوا باقی می‌مانند؟ در پاسخ آن‌ها را دارنده ابزارهای مهار قدرتمندی به حساب می‌آورد که در طول دوران رشد خود از کودکی تا بزرگسالی از داشتن آن بهره‌مند بوده‌اند. رکلس معتقد است که مهارهای خارجی به تدریج به مهارهای درونی^{۳۰} تبدیل می‌شوند که حاصل آن برخورداری از ویژگی‌هایی مانند داشتن چارچوب‌های رفتاری در زندگی، توانایی تحمل ناکامی (تاب‌آوری) و توجه به بهنجارهای اجتماعی است (ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۲۱). او ابزارهای کنترل اجتماعی را خط دفاعی دوگانه‌ای تلقی می‌نماید که افراد جامعه را از تمایل به مسیرهای مجرمانه بازمی‌دارد. از این رو، مانع بازدارنده نخست، مربوط به روند جامعه‌پذیری افراد است که مشتمل بر ویژگی‌های فردی مانند؛ خویش‌داری (خودکنترلی)،^{۳۱} خودپنداره^{۳۲} و درونی کردن بهنجارهای اجتماعی و... است. مانع دفاعی مذکور را بازدارندگی درونی^{۳۳} می‌نامد (Thio, 2001: 29). اما مانع بازدارنده دوم، ابزارهایی است که گروه یا جامعه‌ای آن را تدارک می‌بیند که فرد به آن تعلق دارد. این مانع بازدارنده خارج از وجود فرد قرار گرفته، از همین روی به آن بازدارندگی بیرونی^{۳۴} اطلاق می‌شود. بازدارنده‌های بیرونی، شامل مجموعه کاملی از خواسته‌های قانونی و ممنوعیت‌هایی است که بسیاری از افراد را در پیوندهای رفتاری با جامعه قرار می‌دهد

^{۲۶} - برای اطلاع بیشتر در مورد نقش الگوهای یادگیری در معاشرت های دوستانه رک:

-Cullen,F.Benson.M&Makarios.M.,(2012).Developmental and Life-Course Theories of Offending,The Oxford Handbook of Crime Prevention.Oxford University Press.

- Elder.Glen.H.(1985).Perspective On The Life Course. in Life –Course Dynamics. By Glen.H.Elder. Ithaca. Cornell University Press.

^{۲۷} Travis Hirschi

^{۲۸} Containment Theory

^{۲۹} Walter Reckless

^{۳۰} تقویت مهارت کف‌نفس (خودالزام‌گری) در مجرمان یکی از مواردی است که در پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان بسیار مؤثر است. در رابطه با اصطلاح مذکور لازم به ذکر است که کف‌نفس، ریشه‌هایی عمیق در ادبیات، عرف مذهبی و باورهای قدیمی و رایج مردم ایران دارد که به‌مثابه سازوکاری درونی‌شده و نهادینه در مواجهه با شرارت‌های دنیوی از جمله کج‌روی و بزهکاری فرد را از درون به پرهیز از رفتار مجرمانه وامی‌دارد. در این رابطه حدیثی از امام صادق نقل می‌شود که می‌فرماید: «آنکه در راه خدا، اندرزگویی را از درون برای خود قرار ندهد، به‌راستی که اندرزهای دیگران هیچ سودی به حالش ندارد» (علی سلیمی، ابوترابی، داوری، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

^{۳۱} Self-Control

^{۳۲} Self-Concept

^{۳۳} Inner Containment

^{۳۴} Ouler Containment

(گسن، ۱۳۹۳: ۱۸۱-۱۸۲). در واقع نظریه کنترل اجتماعی با تمام گستردگی اش، با تأثیرپذیری از رویکردی که امیل دورکیم^{۳۵} برای تبیین چرایی خودکشی به کار می‌برد مبتنی بر اینکه؛ خودکشی را ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه می‌داند،^{۳۶} بروز رفتارهای مجرمانه را نیز ناشی از تضعیف یا فقدان پیوند با اطرافیان و جامعه در نظر می‌گیرد. هیرشی بر این باور است که مجرمان در یک‌روند تناقض‌آمیز مشتمل بر؛ علقه‌های ضعیف اجتماعی به همراه تأثیر منفی همسالان، ایجاد پیوندهای عمیق با گروه دوستان بزهکار در کنار فشارهای اجتماعی موجود در بستر جامعه مرتکب جرم می‌شوند (عظیم زاده، ۱۳۹۹: ۲۷۳). بر همین اساس، جورج هربرت مید^{۳۷} در نظریه‌ای که به‌مثابه یک الگوی تربیتی از آن یاد می‌گردد، به رویکرد نقش‌پذیری^{۳۸} اشاره می‌کند، رویکردی که ارتباط نزدیکی با نظریه هیرشی دارد. تمرکز اصلی مید بر اهمیت ایجاد پیوند و تعلق خاطر می‌باشد (ستوده، ۱۳۹۹: ۶۸). او بر این باور است که برای اجتناب از رفتارهای مجرمانه نیاز به نقش‌سپاری اجتماعی است. مید، نقش‌پذیری‌ها در عرصه جامعه را عامل شکل‌دهی نحوه عملکرد فرد و به‌مثابه اهرم پویای انگیزشی رفتار در نظر می‌گیرد (Blokland & Nieuwebberta, 2006, 45). او به فرآیند آموزش و واگذاری نقش‌های اجتماعی و نیز تقویت پیوندهای جامعه‌ی اشاره می‌کند که منجر به درونی کردن ارزش‌ها و التزام فردی به حفظ آن‌ها می‌گردد. اهرمی که به‌عنوان یکی از نتایج مهم جامعه‌پذیری افراد و بازپروری مجرمان محسوب می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۹۵: ۶۳).

پژوهش حاضر نیز برای پایش داده‌های میدانی بر متغیرهایی که نشان‌گر میزان این پابندی‌ها و تعلق‌های فردی و اجتماعی است به ارزیابی اهمیت و تأثیرگذاری آن‌ها بر مجرمان سایبری پرداخته است. متغیرهایی همچون (سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، اشتغال، علت ترک تحصیل، میزان نظارت‌های والدین بر خانواده در سطوح متفاوت، سنجش میزان مسئولیت‌پذیری مجرم) جهت به تصویر کشیدن اهمیت نقش‌سپاری اجتماعی و پیوند و تعلق خاطر فردی و جامعه‌ی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحصیل شده در پژوهش حاضر از آمار تحلیلی به دو صورت توصیفی و استنباطی استفاده گردیده است و در آزمون فرضیه‌ها روش رگرسیون به کار گرفته شده است، امری که مبین اولویت‌بندی متغیرها بر مبنای میزان تأثیرگذاری‌شان می‌باشد. شناسایی مؤلفه‌های خطر در جامعه آماری پژوهش، ساختار نظری پژوهش در دو سطح جمعیت‌شناختی و جرم‌شناختی بر مبنای داده‌های میدانی مورد پیمایش قرار گرفته است:

- سطح نخست: داده‌های جمعیت‌شناسی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل)؛
- سطح دوم: داده‌های جرم‌شناسی (وجود سابقه اعتیاد یا انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، میزان ارتباط با دوستان سابقه‌دار، سابقه کیفری پیش‌رس، وضعیت تأهل، اشتغال، میزان و کیفیت نظارت والدین، رزومه تحصیلی و علت ترک تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت).

۱.۴. مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی

در این بخش به تشریح آمار توصیفی افراد پاسخ‌دهنده در جامعه آماری (برحسب؛ چهار مؤلفه سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل)^{۳۹}؛ پرداخته می‌شود. نحوه چیدمان پرسش‌ها برای نمایش آمار توصیفی در میان جمعیت نمونه بر مبنای مؤلفه‌هایی صورت گرفته است که در طول نوشتار حاضر به‌عنوان عوامل پیش‌بین جرم معرفی گردیده‌اند.

³⁵ Emil Durkheim

³⁶ دورکیم بر این باور بود که وقوع برخی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی (مانند خودکشی) و نیز برخی جرائم به میزان دل‌بستگی‌هایی که افراد را به جامعه یا گروه وابسته پیوند می‌دهد، مرتبط است؛ بنابراین هر قدر دل‌بستگی فرد به جامعه از قدرت بیشتری برخوردار باشد، احتمال کمتری برای خودکشی یا ارتکاب جرائم وجود خواهد داشت.

³⁷ George Herbert Mead

³⁸ Role-Playing Approach

³⁹ - لازم به ذکر است که زندان تهران بزرگ فقط محکومان مرد را در خود جای‌داده است، بنابراین این پژوهش صرفاً در میان مجرمان مرد انجام شده است و به این دلیل معیار جنسیت در متغیرهای جمعیت‌شناختی قید نگردیده است.

بر اساس پژوهش حاضر، داده‌های آماری نشان‌گر این است که بیشترین میزان فراوانی معیار سن در میان پاسخگویان با تعداد ۶۰ نفر یا ۶۰ درصد جمعیت نمونه متعلق به رده سنی ۱۹-۳۱ ساله است و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۶ نفر یا ۶ درصد جمعیت نمونه در رده سنی ۴۴-۵۶ سال قرار دارند^{۴۰}. همچنین بیشترین میزان فراوانی در شاخص تحصیلات پاسخگویان با تعداد ۴۱ نفر یا ۴۱ درصد جمعیت نمونه دبیرستانی بوده‌اند و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۵ نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. در مورد متغیر تأهل نیز داده‌ها مؤید این مطلب هستند که از میان پاسخگویان ۶۵ درصد افراد مجرد و ۳۵ درصد متأهل بوده‌اند. همچنین، بیشتر پاسخگویان با تعداد ۳۶ نفر یا ۳۶ درصد جمعیت نمونه دارای شغلی با درآمد متوسط بوده‌اند و تنها تعداد ۹ نفر یا ۹ درصد جمعیت نمونه شغلی با درآمد خیلی خوب داشته‌اند و در نهایت ۵۵ نفر یا ۵۵ درصد جامعه آماری را افرادی با درآمد بسیار کم یا بیکار تشکیل داده‌اند.

۲.۴. مؤلفه‌های جرم‌شناختی

* نمودارهای زیر که ابزار گردآوری آن آمار توصیفی بوده است، جهت ارزیابی میزان تأثیر «متغیر یادگیری و تقلید» در مجرمان فضای سایبر ارائه می‌گردد.

۱.۲.۴. متغیر نخست، یادگیری رفتارهای مجرمانه از کانون خانواده

نمودار ۱-۲-۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب نوع سابقه کیفری در خانواده



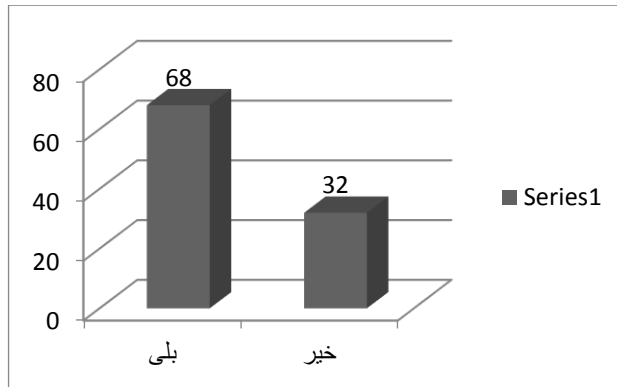
اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۲۴ نفر یا ۲۴ درصد جمعیت نمونه اعضای خانواده‌شان به خاطر اعتیاد و حمل مواد مخدر زندانی شدند و تعداد ۹ نفر یا ۹ درصد جمعیت نمونه اعضای خانواده‌شان به خاطر جرائم علیه اموال زندانی شده‌اند. در مجموع ۵۷ نفر یا ۵۷ درصد جمعیت نمونه اعضای خانواده‌شان سابقه رفتارهای مجرمانه داشته‌اند.

^{۴۰} - برای اطلاع بیشتر در مورد تأثیر مؤلفه سن بر رشد بزهکاری رک:

- Farrington, David. (2005). «Key Result From The Frist 40 Years Of The Cambridge Study In Delinquent». In Thornberry. T.P & Krohn. M.D. «Taking Stock Of Delinquency: An Overview Of findings from contemporary Longitudinal Studies. (New York). 137-145.

۲,۲,۴. متغیر دوم، یادگیری رفتارهای مجرمانه از طریق معاشرت با همسالان بزهکار

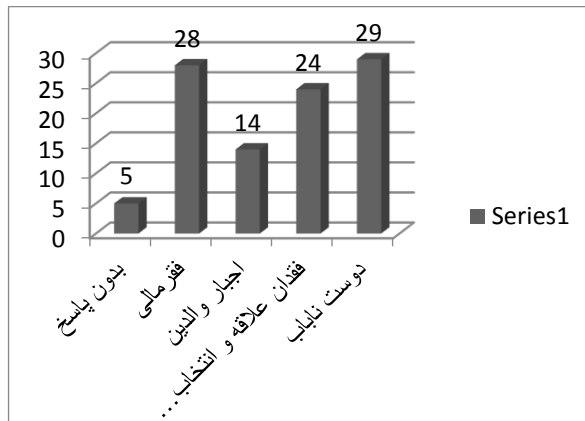
نمودار ۲-۲-۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب سابقه معاشرت با همسالان ناباب



اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که تعداد ۶۸ نفر یا ۶۸ درصد جمعیت نمونه دوستانی با سابقه کیفی داشته‌اند و تعداد ۳۲ نفر یا ۳۲ درصد جمعیت نمونه دوستی با سابقه کیفی نداشته‌اند؛ بنابراین بیش از نیمی از مجرمان حیطه سایبر از طریق معاشرت با همسالان ناباب، مسیرهای مجرمانه را آموخته و فراگرفته‌اند.

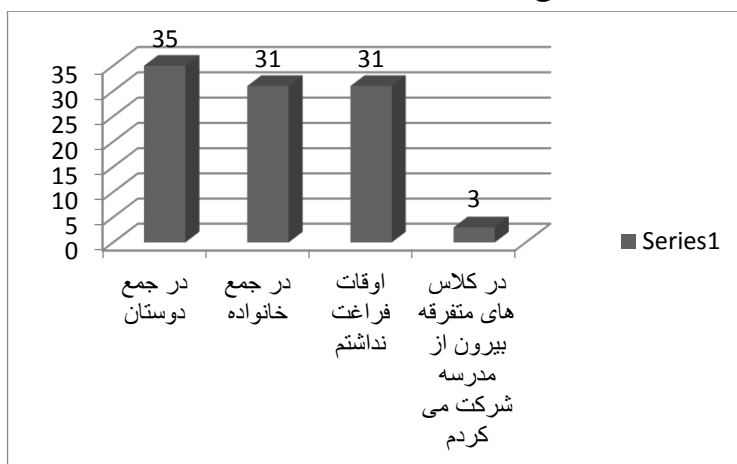
۳,۲,۴. متغیر سوم، یادگیری رفتارهای مجرمانه ناشی معاشرت‌های ترجیحی با همسالان ناباب

نمودار ۳-۲-۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب علت ترک تحصیل



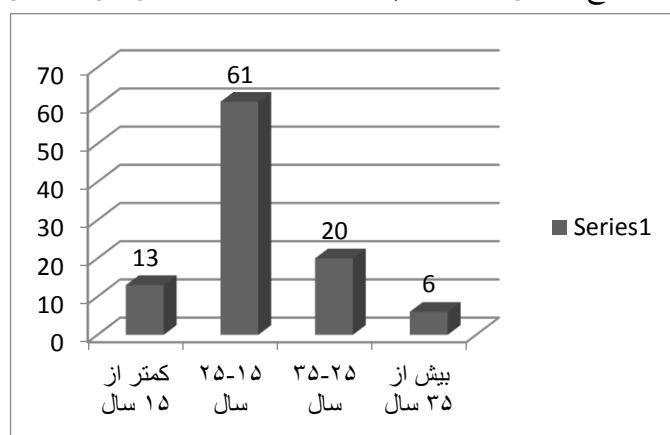
اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۲۹ نفر یا ۲۹ درصد جمعیت نمونه داشتن دوست ناباب سبب شده که ترک تحصیل کنند و تعداد ۵ نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه ترک تحصیل نداشتند.

۴،۲،۴. متغیر چهارم، یادگیری رفتارهای مجرمانه ناشی از نحوه گذراندن اوقات فراغت نمودار ۴-۲-۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب اوقات فراغت



اطلاعات نمودار فوق نشان گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۳۵ نفر یا ۳۵ درصد جمعیت نمونه اوقات فراغت خود را در جمع دوستان می گذراندند و تنها تعداد ۳ نفر یا ۳ درصد اوقات فراغت خود را در کلاس های متفرقه بیرون از مدرسه شرکت می کردند. متغیر اوقات فراغت در کنار متغیر بعدی که معاشرت با همسالان ناباب است می تواند اهمیت این دو متغیر را به خوبی نشان دهد.

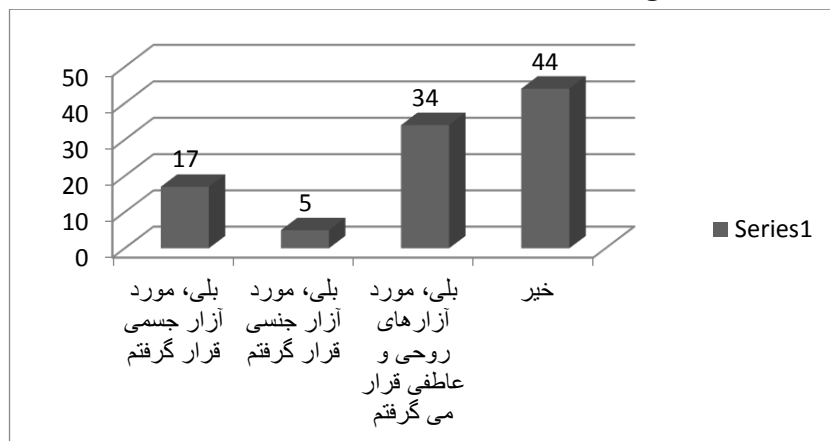
۵،۲،۴. متغیر پنجم، یادگیری رفتارهای مجرمانه از طریق تأثیر سابقه کانون اصلاح و تربیت در کودکی و نوجوانی نمودار ۴-۲-۵: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب شاخص سن در اولین محکومیت



اطلاعات نمودار فوق نشان گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۶۱ نفر یا ۶۱ درصد جمعیت نمونه سنشان در اولین محکومیت بین ۱۵-۲۵ سال بوده است و تعداد ۶ نفر یا ۶ درصد جمعیت نمونه سنشان در اولین محکومیت بیش از ۳۵ سال بوده است. همچنین آمار مستخرج از نمودار فوق حاکی از آن است که در کل ۷۴ نفر یا ۷۴ درصد از پاسخگویان تا پیش از ۲۵ سالگی سابقه انحراف و جرم داشته اند؛ بنابراین متغیر سن بر پایداری رفتارهای مجرمانه از طریق مشاهده، الگوبرداری و تجربه های پیش رس تأثیرگذار است.

۶,۲,۴. متغیر ششم، یادگیری رفتارهای مجرمانه از طریق تجربه بزه‌دیدگی و خشونت در کودکی و نوجوانی

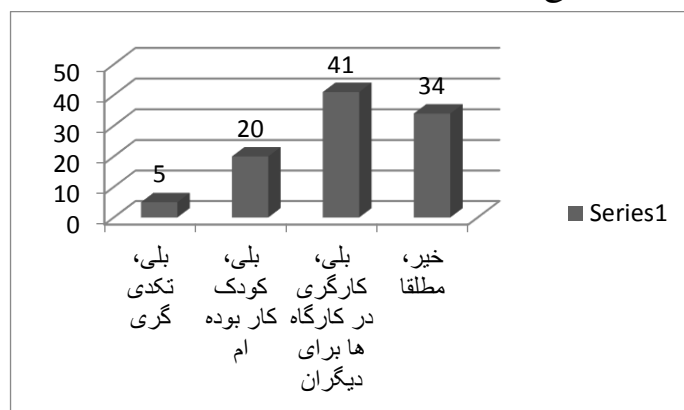
نمودار ۴-۲-۶: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب تجربه بزه‌دیدگی و خشونت



اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۴۴ نفر یا ۴۴ درصد جمعیت نمونه در کودکی تجربه بزه‌دیدگی نداشته‌اند و تعداد ۵ نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند. با توجه به آمار مستخرج از نمودار فوق، محرز می‌شود که تجربه بزه‌دیدگی و خشونت در سنین کودکی و نوجوانی نیز از جمله تجربه‌ها و آموخته‌های مؤثر در انتخاب مسیرهای مجرمانه‌ی این طیف از مرتکبان بوده است.

۷,۲,۴. متغیر هفتم، یادگیری رفتارهای مجرمانه از طریق تجربه کار در کودکی

نمودار ۴-۲-۷: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب تجربه کار در کودکی

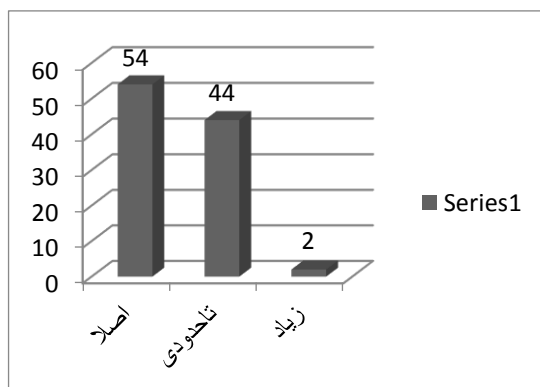


اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۳۴ نفر یا ۳۴ درصد جمعیت نمونه در کودکی مجبور به کار کردن نبودند و تعداد ۵ نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه در کودکی به تکدی‌گری مشغول بوده‌اند. در این نمودار نیز داده‌ها حاکی از آن است که درکل ۶۱ نفر یا ۶۱ درصد از جامعه آماری کودک کار بوده‌اند.

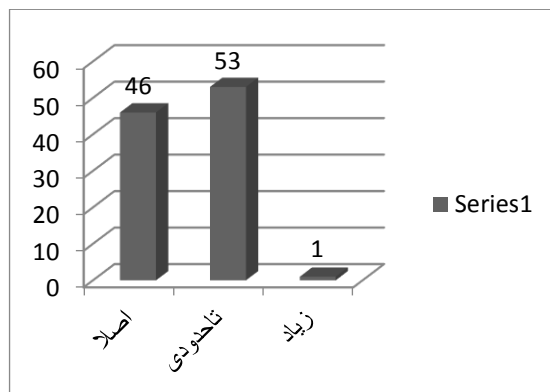
* نمودارهای زیر که ابزار گردآوری آن آمار توصیفی بوده است، جهت ارزیابی میزان پایداری مجرمان فضای سایبر به «پیوندها و

علقه‌های فردی و اجتماعی» ارائه می‌گردد.

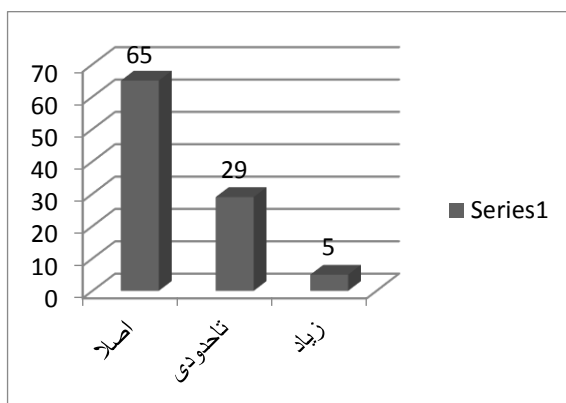
۸،۲،۴. متغیر هشتم، سنجش پایداری اجتماعی مجرمان سایبری بر مبنای میزان و کیفیت نظارت والدین
نمودار ۴-۲-۸: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب میزان نظارت والدین بر بیماری و مشکلات جسمانی



نمودار ۴-۲-۸: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نظارت والدین بر مسائل عاطفی و روانی



نمودار ۴-۲-۸: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نظارت والدین بر مشکلات مالی و اقتصادی



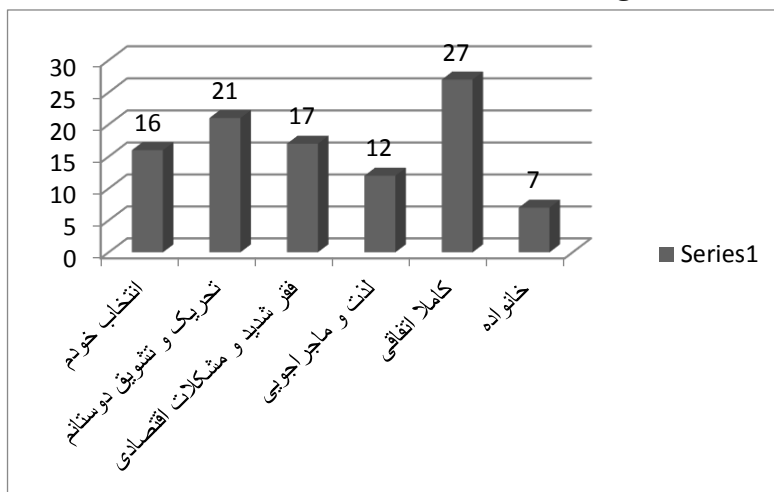
- اطلاعات سه نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۵۴ نفر یا ۵۴ درصد جمعیت نمونه والدینشان هیچ نظارتی بر مشکلات جسمی و بیماری آن‌ها نداشته‌اند و تنها تعداد ۲ نفر یا ۲ درصد جمعیت نمونه والدینشان بر مشکلات جسمی و بیماری آن‌ها نظارت داشته‌اند.

• همچنین بیشتر پاسخگویان با تعداد ۵۳ نفر یا ۵۳ درصد جمعیت نمونه والدینشان تا حدودی بر مسائل عاطفی و روانی آن‌ها نظارت داشته‌اند و تعداد ۱ نفر یا ۱ درصد جمعیت نمونه از والدینی با میزان نظارت زیاد بر مسائل عاطفی و روانی آن‌ها برخوردار بوده‌اند.

- بیشتر پاسخگویان با تعداد ۶۵ نفر یا ۶۵ درصد جمعیت نمونه والدینشان هیچ نظارتی بر مشکلات مالی و اقتصادی آنها نداشته‌اند و تعداد ۵ نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه از والدینی نظارت‌گر نسبت به مشکلات مالی و اقتصادی برخوردار بوده‌اند.
- این در حالی است که میزان کنترل والدین بر فرزندان در سطوح سه‌گانه فوق به‌عنوان یکی از اهرم‌های قدرتمند مهار برای اجتناب از ورود به مسیرهای مجرمانه در نظر گرفته می‌شود. همان چیزی که در عرصه جرم‌شناسی تحت عنوان خود تنظیم‌گری (خویشتن‌داری) از آن تعبیر می‌گردد.

۹،۲،۴. متغیر نهم. سنجش پایبندی اجتماعی مجرمان سایبری بر مبنای میزان مسئولیت‌پذیری

نمودار ۴-۲-۹: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب میزان مسئولیت‌پذیری مجرم



اطلاعات نمودار فوق نشان‌گر این است که بیشتر پاسخگویان با تعداد ۲۷ نفر یا ۲۷ درصد جمعیت نمونه کاملاً اتفاقی مرتکب جرم شدند و تعداد ۷ نفر یا ۷ درصد جمعیت نمونه علت ارتکاب جرم آنها خانواده بوده است. ارزیابی میدانی این متغیر از اهمیت به سزایی برخوردار است زیرا از یک‌سو، حاکی از آن است که در مجموع ۸۴ نفر یا درصد پاسخگویان مسئولین ارتکاب جرم در فضای سایبر را متوجه خود نمی‌دانند و دلیل آن به ماهیت این طیف از جرائم که آثار و نتایجی غیرملموس به بار می‌آورند، برمی‌گردد. این ویژگی غیرملموس بودن علاوه بر انکار مسئولیت، تبعات دیگری نیز دربر می‌گیرد، از جمله؛ انکار صدمه و خسارت و انکار بزه دیده (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۵:۳۰۹). از دیگر سو، نشان‌دهنده ویژگی بسیار مهم دیگری است که در جرم‌شناسی از آن به فنون خنثی‌سازی تعبیر می‌گردد به این معنی که مجرم سایبری مانند بسیاری دیگر از مجرمان ارتکاب چنین رفتاری را ناشی از هرکسی یا چیزی جز خود می‌بیند و این امر تا حدی انجام جرم را برای مجرم تسهیل می‌نماید. از جمله عبارت‌هایی که گواه به‌کارگیری این فن در مجرمان فضای سایبر عبارت‌اند از: آنها واقعاً اینجا نیستند، این آمارها واقعی نیست، همه کسانی که ما را سرزنش می‌کنند مرتکب چنین رفتارهایی می‌شوند. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های؛ وضعیت تحصیلی، اشتغال و تأهل که در قسمت جمعیت‌شناسی به آنها اشاره شد و نمودارشان ترسیم گردید، مبین محور موضوعی نظریه کنترل اجتماعی از تراویس هیرشی است. او بر این باور است که مسیرهای مجرمانه هنگامی از سوی مجرمان طی می‌شوند که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته گردد. امری که بر مبنای چهارعنصر اصلی؛ وابستگی

(دلبنستی)،^{۴۱} تعهد،^{۴۲} درگیری (مشارکت)^{۴۳} و ایمان (باور)^{۴۴} تعریف می‌شود. عناصری که بیان‌گر این پیوند اجتماعی هستند و نموده‌های آن را می‌توان در داشتن شغل، تشکیل خانواده و نیز موقعیت تحصیلی نگریست.

۳.۴. آمار استنباطی

- تحلیل فرضیه پژوهش بر مبنای سه سطح مطرح شده به این نحو مورد بررسی پیمایشی قرار گرفته است:
- بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه سابقه کانون اصلاح و تربیت، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر یادشده، به‌اندازه ۰/۵۹۰ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه میزان نظارت والدین، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۲۸۱ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه سابقه بزه‌دیدگی و خشونت، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۲۸۵ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه کار در کودکی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۲۳۵ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه سابقه اعتیاد در خانواده، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۱۴۳ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه سابقه جرم در خانواده، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۱۸۲ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه همسالان ناباب، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۵۹۰ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه مسئولیت‌پذیری مجرم، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۳۷۲ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.
 - بر اساس بتای به‌دست‌آمده مؤلفه اوقات فراغت، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به‌اندازه ۰/۲۱۵ واحد در انحراف معیار تبیین بزهکاری تغییر ایجاد می‌گردد.

41 Attachment

– دلبنستی به افراد و نهادهای اجتماعی یکی از شیوه‌هایی است که به فرد این امکان را می‌دهد تا خود را با احساس داشتن تعلق خاطر نسبت به دیگران به جامعه پیوند دهد.

42 Commitment

– افراد جامعه که در دستیابی به هدف‌هایی مانند؛ تحصیل، شغل، داشتن خانه، خانواده و تعلق به جمعی از دوستان و... سرمایه‌گذاری کرده‌اند و وقت و انرژی خود را در راه آن صرف نموده‌اند، از تعهد و انگیزه بیشتری برای انجام فعالیت‌های متداول و هنجارمند زندگی و پرهیز از نا همنوایی اجتماعی برخوردارند.

43 Involvement

– معمولاً کسانی که درگیر شغل، زندگی خانوادگی، اوقات فراغت سالم و مشارکت‌های اجتماعی و... هستند؛ کمتر فرصت می‌یابند که هنجارشکنی کنند؛ بنابراین افزایش سال‌های تحصیل، انجام خدمت وظیفه و فراهم بودن امکانات ورزشی، فرهنگی، هنری و... هر یک به‌عنوان عاملی پیش‌گیرنده در مواجهه با جرائم قلمداد می‌گردد.

44 Belief

– هیرشی بیان می‌دارد که میزان باورمندی و اعتقادات فردی به ارزش‌های اخلاقی- مذهبی و هنجارهای فرهنگی، هرچه ضعیف‌تر باشد، احتمال حرکت کردن فرد در مسیر مجرمانه بیشتر خواهد بود درواقع افرادی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول اجتماعی نمی‌بینند، هیچ تعهد اخلاقی نیز برای همنوایی با قوانین رسمی و غیررسمی در خود نمی‌یابند.

از تحلیل رگرسیون چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که هر ۹ مؤلفه سابقه کانون اصلاح و تربیت، میزان نظارت والدین، سابقه بزه‌دیدگی و خشونت، کار در کودکی، سابقه اعتیاد و سابقه جرم در خانواده، همسالان ناباب، مسئولیت‌پذیری در مجرم و اوقات فراغت به ترتیب و برحسب میزان بتای محاسبه‌شده بر جرائم سایبری تأثیر گذارند.

جدول شماره ۴-۳-۱: خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر تبیین بزهکاری

Stepwise	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	B	Std. Error	Beta	sig
سابقه کانون اصلاح و تربیت	.590 ^a	.348	.341	5/303	2/071	.287	.590	.000
میزان نظارت والدین	.653 ^b	.426	.414	5/000	1/999	.549	.281	.000
سابقه بزه‌دیدگی و خشونت	.712 ^c	.506	.491	4/661	1/365	.345	.285	.000
کار در کودکی	.747 ^d	.558	.540	4/433	1/689	.506	.235	.000
سابقه اعتیاد در خانواده	.759 ^e	.577	.554	4/363	.637	.314	.143	.000
سابقه جرم در خانواده	.779 ^f	.607	.582	4/224	.912	.339	.182	.000
همسالان ناباب	.590 ^a	.348	.341	5/303	2/071	.287	.590	.000
مسئولیت‌پذیری مجرم	.693 ^b	.480	.469	4/759	1/009	.203	.372	.000
اوقات فراغت	.725 ^c	.525	.510	4/572	.959	.318	.215	.000

جدول شماره ۴-۳-۲: متغیرهای خارج از معادله در مرحله نهائی رگرسیون چند متغیره

Excluded Variables Model	Beta In	t	Sig.	Partial Correlation	Collinearity Statistics
					Tolerance
شیطنتهای دردرساز	-.134 ^g	-1/981	.051	-.202	.890
مهاجرت	.035 ^g	.494	.622	.051	.830

در جدول متغیر خارج از معادله در مرحله نهائی رگرسیون چند متغیره، متغیری که سطح معنی‌داری آن بالای ۰/۰۵ است، از معادله رگرسیون خارج شده است و تأثیری بر جرائم سایبری نداشته است. متغیرهای خارج شده از معادله شیطنتهای دردرساز، مهاجرت می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال بررسی میزان اثرگذاری تجربه‌های زیسته بر تمایل مجرمان به ارتکاب جرائم سایبری در میان طیفی از تابعان زندان تهران بزرگ صورت پذیرفته است. مبنای توصیف و تبیین در پژوهش حاضر بر مدار رهیافت‌هایی از ساترلند، هیرشی، کولک، فارینگتون، وست، بلک، رکلز، مید و... مورد بررسی قرار گرفت. اثبات فرضیه از طریق آزمون استنباطی رگرسیون و ارزیابی میزان اثرگذاری متغیرها از طریق نمودارهای توصیفی به تصویر کشیده شده است. پدیده‌های اجتماعی به جهت ماهیت پیچیده آن‌ها کمتر با رویکرد تک عاملی امکان تبیین می‌یابند. بررسی و تحلیل تجربه‌های زیسته‌ی مجرمان سایبری، بیانگر این واقعیت می‌باشد که این طیف از رفتارهای مجرمانه

نیز در نتیجه آمیختگی دلایل چندگانه فردی، خانوادگی و اجتماعی ظهور یافته‌اند. نتایج پژوهش حاضر با نظریه‌های مطرح شده در آن همخوانی دارد. رهیافت‌هایی که هر یک سعی داشته‌اند تا از منظر جرم‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به‌مانند نورافکنی بر زوایای تاریک و پنهان بسترهای مولد جرائم سایبری بنابند. داده‌های نظری اخذشده اذهان را این‌گونه در جهت درک نتایج حاصل شده در قسمت کمی پژوهش به یک نظم منطقی رهنمون ساختند:

- نقش‌پذیری افراد در اجتماع به‌عنوان جامعه‌پذیر یا جامعه‌ستیز، غالباً امری اکتسابی و آموختنی است؛

- نقش‌پذیری‌های اجتماعی یا ضداجتماعی آگاهانه یا ناآگاهانه یاد گرفته می‌شوند؛

- نقش‌پذیری‌ها طی یک فرآیند تجربه‌آموزی کسب می‌شوند بنابراین به‌یک‌باره و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتند؛

- هنجارهای گروه اجتماعی که مجرم متعلق به آن است در نحوه نقش‌پذیری او مؤثر می‌باشند؛

- افراد زمانی به ارتکاب جرم روی می‌آورند که از علقه‌ها و پیوندهای اجتماعی رهاشده باشند یا پایبندی‌شان به علقه‌های مذکور به طرز چشمگیری تضعیف شده باشد.

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر به دنبال آن برآمد تا تبلور یا تکوین شخصیت جنایی این طیف از مجرمان را در بستر زمان ترسیم نماید. مسیری که در آن یک فرد مشاهده می‌کند و یاد می‌گیرد؛ الگوبرداری‌های خود را نهادینه ساخته و تکرار می‌کند، خاطرات سرکوب‌شده‌اش را در لفافی مخصوص ضبط نموده و در زمان و مکانی دیگر بازآفرینی می‌کند و در نهایت به‌عنوان مجرمی فعال در حیطه سایر (به‌صورت انحصاری یا با داشتن مجموعه‌ای چندگانه از جرائم در پیشینه کیفری خود) به جامعه معرفی می‌گردد. مجرمی که غالباً به دلیل ساختار تربیتی - روحی خود دارای تاب‌آوری پایین بوده و پیوندهای اجتماعی ضعیف یا گسسته‌ای با اجتماع پیرامون خویش دارد. درواقع، تمرکز بر نقش وقایع و تجربه‌های فردی و نیز توجه به بسترهای موجد خطر در مسیر زندگی مبتنی بر این واقعیت است که مجرمان سایبری، توشه‌ای را با خود همراه دارند که حاوی استمرار آثار حاصل از تجربه‌های گذشته‌ی آن‌ها است، از جمله؛ ابعاد وسیعی از غفلت و فقدان نظارت والدین، تجربه بزه دیدگی و خشونت در دوران کودکی و نوجوانی، تجربه‌های زود هنگام و بزهکاری‌های پیش‌رس، فقدان یا تضعیف علقه‌های خانوادگی، الگوهای نادرست یادگیری، جذب شدن در خرده‌فرهنگ‌های هنجارستیز (جمع دوستان ناباب) و...؛ بنابراین، در نخستین گام از مطالعات نظری با رویکرد سبب‌شناختی این قاب که؛ «مجرم، محصول امروز نیست» به تصویر کشیده شد. تصویری که نمایانگر توصیف معروف زیگموند فروید است،^{۴۵} که ذهن انسان را به قطعه یخ بزرگی تشبیه می‌کند که تنها بخش کوچکی از آن آشکار می‌باشد و بخش عمده آن که در زیر آب پنهان است. این بخش عرصه وسیعی از خواسته‌ها، تمایلات، احساسات، مشاهده‌گری‌ها، آموخته‌ها و خاطرات سرکوب‌شده‌ای را دربر می‌گیرد که تبیین‌کننده شیوه‌های رفتاری امروز افراد خواهد بود.

اما در دومین گام، پژوهش حاضر باهدف ارزیابی میزان اثرگذاری تجربه‌های زیسته بر تمایل به ارتکاب جرائم سایبری از طریق توزیع یکصد و چهل پرسش‌نامه محقق ساخته در میان طیفی از مردان محبوس در زندان تهران بزرگ به یافته‌هایی آماری که مستخرج از داده‌های توصیفی بخش نخست بوده‌اند، دست‌یافت. نتایجی که مبتنی بر سه سطح از ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اقتصادی-اجتماعی مجرمان تحصیل شده است. مطالعه خصوصیات مذکور بر مبنای توجه و تمرکز این پژوهش بر گستره مفهوم خطرناکی بناشده است. مؤلفه‌های موجد خطر (پیش‌بین) در این مطالعه؛ (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل، وجود سابقه اعتیاد یا انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، میزان ارتباط با دوستان سابقه‌دار، سابقه کیفری پیش‌رس، وضعیت تأهل، اشتغال، میزان و کیفیت نظارت والدین، رزومه تحصیلی و علت ترک تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت) بوده است. نتایج پژوهش در یک جمع‌بندی کلی حاکی از آن است که:

- سابقه مصرف مواد مخدر یا پیشینه کیفری در خانواده (۵۷٪)؛

⁴⁵ Sigmund Freud

- برای اطلاعات بیشتر در این مورد رک: ستوده، هدایت اله. میرزایی، بهشته. پازند، افسانه. (۱۳۹۹). روان‌شناسی جنایی. چاپ دهم، تهران، آوای نور، ص ۸۰.

- نظارت والدینی بر بیماری‌های جسمانی (۵۴٪)، خلع‌های عاطفی و روانی (۴۶٪) و مشکلات اقتصادی (۶۵٪)؛

- تجربه کار در کودکی (تکدی گری، کارگری و دست‌فروشی) (۶۵٪)

- نحوه گذراندن اوقات فراقت: مجرمانی که چنین زمانی را در کودکی و نوجوانی خود تجربه نکرده‌اند (۳۱٪)، در جمع دوستان غالباً بزهکار (۳۵٪)، در کنار خانواده (۳۱٪) و در کلاس‌های آموزشی (۳٪)؛

- تجربه بزه دیدگی و خشونت (۵۶٪)؛

- علت‌های ترک تحصیل: به دلیل فقر (۲۸٪)، اجبار والدین (۱۴٪)، فقدان علاقه و انتخاب شخصی (۲۴٪) و دوست ناباب (۲۹٪)؛

- معاشرت با دوستان ناباب (بزهکار یا معتاد) (۶۸٪)؛

- بیشترین طیف سنی در اولین دستگیری بین ۱۵ تا ۲۵ سال (۶۱٪).

ساختار این پژوهش بر مبنای دو نظریه اصلی؛ «یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی» و هفت نحله فرعی و مرتبط؛ «بدن حساب را نگه می‌دارد، پسرانی شبیه پدران، پسران بد مردان بد، معاشرت‌های افتراقی، واگیری اجتماعی، مهار و پیوند اجتماعی» مورد تبیین نظری و پیمایشی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از هم‌خوانی و هم‌سویی معلومات نظری با داده‌های میدانی است. بر این اساس، نتیجه آزمون فرضیه در پژوهش حاضر به این نحو اثبات گردید که؛ تجربه‌ها و وقایع ناخوشایند گذشته، الگوهای یادگیری به‌خصوص در دوره کودکی و نوجوانی و نیز کیفیت و میزان پایبندی به علقه‌های اجتماعی می‌توانند در تمایل به کشش‌های مجرمانه فضای سایبر تأثیرگذار باشند. از میان متغیرهایی که به‌وسیله معادله رگرسیون موردسنجش قرار گرفتند، تمام مؤلفه‌ها مؤثر شناخته شدند و تنها دو مؤلفه‌ی سیطنت‌های دردرساز کودکی و مهاجرت، به دلیل عدم احراز رابطه مؤثر با این قسم جرائم از معادله خارج شدند و به‌عبارت‌دیگر بر بروز جرائم سایبری اثری نداشته‌اند. در پایان، ارزیابی و تحلیل علمی پژوهش حاضر در قالب پیشنهاد ذیل ارائه می‌گردد.

پیشنهاد

- ضرورت استفاده از شیوه‌های چندوجهی مداخله در نظام عدالت کیفری (پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری): نظام عدالت کیفری در مبارزه با مجرمان حوزه سایبر، نباید تدابیر خود را صرفاً بر پاسخ‌های کیفری محض، تشدید مجازات با اعمال کیفر حداکثر محصور ببیند، بلکه ضروری است تا به توشه‌ای که این طیف از مجرمان با خود حمل می‌کنند و مشتمل بر آسیب‌ها، صدمات، خلع‌ها و در یک کلام داشته‌ها و نداشته‌هایشان است، توجه نماید. از این رو، بهترین رویکرد اعمال برنامه‌های چندوجهی مداخله و پیشگیری و نیز اتخاذ سازوکارهای درمانی، اصلاحی و تربیتی است. همچنین، اجرای برنامه‌های پیشگیرانه ثانویه و ثالث برای جلوگیری از تکرار جرم، تغییر نحوه و سبک زندگی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، افزایش میزان تاب‌آوری، تقویت علقه‌های اجتماعی و... می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۴). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری (با تأکید بر شناخت اجتماعی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات ارجمند.

- بابایی، محمد. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی بالینی، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان.

- بخارایی، احمد. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

- بودن، ریمون. (۱۳۹۵). منطق اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر. چاپ ششم، تهران، انتشارات توتیا.

- تاج زمان، دانش. (۱۳۹۳). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کیهان.

- توسلی، غلام عباس. (۱۳۹۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات سمت.

- جاشیانکار، کی. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی سایبری؛ بررسی جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه: احسان سلیمی و محمد سعید رستگار، چاپ نخست، تهران، انتشارات مجد.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، سلیمی، احسان. (۱۳۹۶). «عمومی شدن بزه در فضای سایبر از علت شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم عدالت ترمیمی»، دانشنامه عدالت ترمیمی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم ۱۳۹۵، گردآورنده: محمد فرجیها، چاپ نخست، تهران.
- خواجه‌نوری، نسرین. (۱۳۹۴). دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، چاپ نخست، تهران، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۹۳). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کیهان.
- رضوانی، سودابه. (۱۳۹۶). مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان.
- روسک، جوزف و وارن، رولند. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه: بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فروردین.
- زیگموند، فروید. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره، ترجمه: محمدحسین وقار، چاپ سوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۹). روان‌شناسی اجتماعی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات آوای نور.
- ستوده، هدایت اله. میرزایی، بهشته. پازند، افسانه. (۱۳۹۹). روان‌شناسی جنایی. چاپ دهم، تهران، آوای نور، ص ۸۰.
- سهراب زاده، مهران. سعیدی، مژگان. (۱۳۹۹). «الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان». مجله رهیافت پیش‌گیری از جرم، دوره سوم، شماره ۴.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). نظریه‌های شخصیت (مکاتب روان‌شناسی)، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمی، علی. ابوترابی، محمود. داوری، محمد. (۱۳۸۸). هم‌نشینی و کجروی (نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیخاوندی، داور (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مرن‌دیز.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۹۳). کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- عظیم زاده، شادی. (۱۳۹۰). پایداری در بزهکاری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان)، چاپ نخست، تهران، انتشارات جاودانه.
- عظیم زاده، شادی، شیخ‌الاسلامی وطنی، گلاویز. (۱۳۹۳). «از مادر معتاد تا فرزند بزهکار؛ الگوی رشد مجرمانه مبتنی بر بزه‌دیده‌شناسی ثانویه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، شماره ۸۸.
- غلامی، حسین. برزگر، مهری. (۱۳۹۷). «کارکرد روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره هفتم، شماره ۲۴.
- غلامی، حسین. حسین‌آبادی، حسین جواد. (۱۳۹۸). «جرم‌شناسی تلفیقی: روایت چالش‌ها و به‌گزینی راهکارها»، فصل‌نامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، دوره ۱۶، شماره ۱۸.
- غلامی، حسین. حسین‌آبادی، حسین جواد. (۱۳۹۸). «نظریه‌پردازی در جرم‌شناسی تلفیقی»، فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۲۵، شماره ۱۰۰.
- فارینگتدن، دیوید پی. بیکرو، الکس آر. جنینگز، ولسلی جی. (۱۳۹۷). بزهکاری از کودکی تا اواخر بزرگسالی، ترجمه: سارا آقایی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله. (۱۳۹۷). «طرح‌واره‌های ذهنی، فرهنگ و تغییر»، فصل‌نامه بازتاب دانش: نشریه‌ای درباره شناخت مغز و رفتار، دوره ۱ اول، شماره ۱.
- قماش، سعید. (۱۳۹۴). «از جرم‌شناسی علت‌شناختی تا جرم‌شناسی شناختی»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰.
- گسن، ریموند. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه: مهدی کی‌نیا، چاپ دوم، تهران، انتشارات مترجم.
- محبوب جلیل، ایران. (۱۳۸۳). «رویکرد جریان زندگی در مطالعات جمعیت‌شناسی»، مجله جمعیت، دوره هشتم، شماره ۴۷-۴۸.
- ممتاز، فریده. (۱۳۹۲). انحرافات اجتماعی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ نهم، تهران، انتشارات سهامی انتشار.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، گردآوری: محمدی و موسی زاده عباسی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. هاشم‌بیک، حمید. (۱۳۹۳). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نوربها، رضا. (۱۳۹۲). زمینه جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ولد، جرج. برنارد، اسنیپس. (۱۳۹۱). جرم‌شناسی نظری، گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه: علی شجاعی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.

- ویلیامز، فرانک پی. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
 - یان، مارش. ملویل، گینور. مورگان، کیت. نوریس، کارت. والکیگن، زئو. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

- Berg, Mark, Delisi. Matt. (2005). « Do Career Criminal Exist In Rural America? » Journal Of Criminal Justice, Vol 33. No 4, 317-325.

- Blokland, Arjan. A. Nieuwebberta, Paul. (2010). *Life Course Criminology*. International Handbook of Criminology CRC Press – Taylor and Francis Group, Retrieved in : 4-20-2013 in: <http://ics.uda.rug.n>.

- Blokland. Arjan. & Nieuwebberta. , Paul. (2006). Children Risk Factors And Risk-Focused Prevention, Institute Of Criminology of Cambridge, 4.

- Cheit, R. (2007). The Recovered memory Project – 101 Corroborated Cases of Recovered Memories. Retrieved from http://www.brown.edu/Departments/Taubman_Center/Recovmem.

- Cullen, F., Benson, M. & Makarios, M., (2012). Developmental and Life-Course Theories of Offending, The Oxford Handbook of Crime Prevention. Oxford University Press.

- Coved, Tom. Vest, Ben. (2012). Poor discipline and Improper Supervision, Washington, DC: National Academy Press.

- Delisi, Matt. (2005). Career Criminal in Society, Printed in the United States of American, New York, The free press.

- Elder, Glen. (1985). Perspective On The Life Course. in Life – Course Dynamics. By Glen. H. Elder. Ithaca. Cornell University Press.

- Farrington, David. (2005). « Key Result From The Frist 40 Years Of The Cambridg Study In Delinquent ». In Thornberry. T. P. & Krohn, M. D. « Taking Stock Of Delinquency: An Overview Of findings from contemporary Longitudinal Studies. (New York). 137-145.

- MacLeod, Jefry. Farrington, David. (2013). Effective Factors on the Criminal behavior of children and adolescents, New York, Routledge.

- Thio, Alex. (2001). Deviant Behavior , 6th ed. Boston, Allyn and Bacon.

- Trifu, Simona. (2013). « The malignant narcissistic dimension in the antisocial personality disorder Jforensic Res ». Vol 4, No 3, 188-198.